[325] ومنزلت برترش مردم دنيا را به سروري رسانيد، من پسر كسى هستم كه اطاعت از أو اطاعت خدا ونافرمانيش نافرمانى اوست، آيا پدرى چون پدر من دارى تا به آن افتخار كنى ؟ وجدى همانند جد من دارى كه بر من فخر نمائي، بگو آرى يا نه. معاويه گفت: بلكه مى گويم نه، واين تصديق سخن توست، امام فرمود: حق درخشان است وتغيير پذير نيست، وحق را دانايان مى شناسند. (11) مناظرهء آن حضرت با معاويه بن ابى سفيان روايت شده: روزى معاويه نسبت به امام افتخار نمود وگفت: أي حسن: من از تو بهترم، فرمود: أي پسر هند چگونه چنين چيزى ممكن است ؟ گفت: زيرا مردم زمامدارى مرا پذيرفتند وتو را كنار زدند، فرمود: هيهات هيهات، أي پسر هند جگر خوار، از بد راهى براى خود مقام وارزش كسب كردى، كسانى كه حكومت ترا پذيرفته اند دو گروهند، يا آزادانه يا به اجبار، آن كس كه مطيع توست خدا را نافرمانى نموده، وآنكه اجبار گرديده بنا بر كتاب خداوند معذور است.

_____